

سرشناسه:	بهرامی، قدرت‌الله، ۱۳۴۰ -
نویسنده و نام پدیدآور:	سازمان مجاهدین خلق (منافقین) / نویسنده قدرت‌الله بهرامی؛ پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
مشخصات نشر:	قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری:	۳۱۲ ص.
شابک:	۸۰۰۰۰ ریال: ۲-۱۷۵-۲۴۶-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	ف
یادداشت:	شناخته شده در ۳۹۷.
موضوع:	سازمان مجاهدین خلق ایران
موضوع:	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -
شناسه افزوده:	پژوهشکده تحقیقات اسلامی
شناسه افزوده:	پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۱ س ۲ ۹ پ / ۱۵۴۲ DSR
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵ / ۰۸۴۰۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۹۸۰۴۹۹

سازمان مجاهدین خلق (منافقین)

بروژه سکرده تحقیقات اسلامی

نزهت
مکتوبه

www.ketab.ir



سازمان مجاهدین خلق (منافقین)

موضوع: جریان شناسی سیاسی • تهیه کننده:
پژوهشکده تحقیقات اسلامی • نویسنده:
قدرت الله بهرامی • ناظر علمی: دکتر آیت مخفیری •
ناظر نهایی: حجت الاسلام مهدی عبداللہی •
ویراستار: محمد نصیری • صفحه آرا: حمزه زاهدی
• چاپ: نینوا • نوبت چاپ: اول • تاریخ چاپ:
پاییز ۱۳۹۱ • شمارگان: ۱۰۰۰ • قیمت:
۸۰۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۱۷۵-۲

قم، خ شهید فاطمی (دور شهر)، نیش فاطمی ۳، پلاک ۸۱
تلفکس: ۷۷۳۰۷۳۵ - ۰۲۵۱ - همراه: ۸۷ ۲۵۳ ۲۵۳ ۹۱۲
صندوق پستی: ۶۴۱-۳۷۱۸۵ E.mail: tooba@ofogh.net

فهرست

مقدمه نماینده محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۹
مقدمه	۲۱

فصل اول: کلیات معرفی سازمان مجاهدین خلق

۱. معرفی	۲۵
۲. قلمرو فعالیت	۲۷
۳. بنیان گذاران سازمان	۲۹
۱- ۳. محمد حنیف نژاد	۲۹
۲- ۳. سعید محسن	۳۰
۳- ۳. عبدالرضا نیکبین رودسری (معروف به عبدی)	۳۰
۴. کادر مرکزی	۳۱
۵. تلفات در نیرو	۳۴
۶. خط مشی سازمان	۳۶
۱- ۶. خط مشی کلی	۳۷
۲- ۶. خط مشی های مقطعی	۳۷
۷. ارگان رسمی	۴۲
۸. ظیف و جناح سیاسی	۴۳
۹. امتیازات سازمان در برابر سایر تشکلات	۴۶

فصل دوم: تاریخچه سازمان

۴۹	۱. تاریخچه سازمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۴۹	۱-۱. از تأسیس تا ارتداد.....
۵۴	۱-۲. تشکیلات و سازماندهی.....
۵۵	۱-۳. عضوگیری و شرایط آن.....
۵۹	۱-۴. ویژگی‌های شخصیتی رهبران سازمان قبل از پیروزی انقلاب.....
۶۰	۱-۵. جدایی و انشعابات در سازمان.....
۶۲	۱-۶. منابع مالی سازمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۶۴	۲. تاریخچه سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۶۴	۲-۱. از پیروزی انقلاب اسلامی تا قیام مسلحانه.....
۷۰	۲-۲. از قیام مسلحانه تا عملیات فروغ جاویدان.....
۸۲	۲-۳. از عملیات فرغ جاویدان تا کنون.....

فصل سوم: مصادیق فکری سازمان

۸۷	۱. اعتقاد به عدم جامعیت اسلام.....
۹۱	۲. عدم اعتقاد به نبوت و وحی.....
۹۴	۳. نفی معاد.....
۹۸	۴. نفی مرجعیت تقلید.....
۱۰۱	۵. التقاط.....
۱۰۷	۶. اعتقاد به مارکسیسم.....
۱۱۲	۷. امامت سازمان.....
۱۱۹	۸. نگاه ابزاری به زن (شخصیت‌سازی کاذب برای زنان).....
۱۱۹	۸/۱. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۱۲۱	۸/۲. پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۱۲۲	۹. اعتقاد به نسبیت اخلاقی.....
۱۲۷	۱۰. اعتقاد به تکامل.....
۱۳۰	۱۱. اعتقاد به جامعه بی طبقه توحیدی.....
۱۳۳	۱۲. اعتقاد به علم‌گرایی تجربی.....
۱۳۷	۱۳. اعتقاد به اسلام منهای روحانیت.....

فصل چهارم: دیدگاهها

۱۴۱	۱. دیدگاه سازمان نسبت به اسلام
۱۴۷	۲. دیدگاه سازمان نسبت به نظام اسلامی
۱۴۹	۳. دیدگاه سازمان نسبت به امام خمینی (ره)
۱۵۸	۴. نظر امام خمینی - ره - راجع به سازمان
۱۶۳	۵. ولایت فقیه از دیدگاه سازمان
۱۶۸	۶. دیدگاه سازمان نسبت به قانون اساسی
۱۷۱	۷. دیدگاه سازمان نسبت به روحانیت
۱۷۷	۸. دیدگاه روحانیت راجع به سازمان
۱۸۱	۹. دیدگاه سازمان نسبت به جنگ تحمیلی
۱۸۲	۹-۱. ضدیت صهیونی با عراق
۱۸۵	۹-۲. مرحله دوم: مرحله امام
۱۸۶	۹-۳. ضدیت کامل با رژیم صهیونیستی و رژیم اسلامی

فصل پنجم: پایگاه اجتماعی

۱۸۹	۱. مرحله رشد پایگاه اجتماعی قبل از انقلاب
۱۹۰	۲. مرحله افت پایگاه اجتماعی قبل از انقلاب
۱۹۱	۳. پایگاه اجتماعی و محبوبیت سازمان
۱۹۲	۳-۱. دانشگاهها
۱۹۳	۳-۲. مدارس
۱۹۶	۳-۳. کارگران
۱۹۸	۴. ترکیب اعضا
۱۹۸	۴-۱. ترکیب شغلی اعضا
۲۰۱	۴-۲. ترکیب سنی اعضا
۲۰۲	۴-۳. ترکیب جنسیتی
۲۰۵	۴-۴. ترکیب مذهبی
۲۰۷	۴-۵. ترکیب نژادی و قشری
۲۰۸	۵. محبوبیت اجتماعی
۲۰۹	۵-۱. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی
۲۱۰	۵-۲. پس از پیروزی انقلاب اسلامی

فصل ششم: عملکرد سازمان

۱. عملکرد سازمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۲۱۳
۱-۱. عملکرد آموزشی.....	۲۱۳
۱-۲. عملکرد نظامی.....	۲۱۶
۱-۳. عملکرد سیاسی.....	۲۲۳
۱-۴. عملکرد امنیتی.....	۲۲۴
۲. عملکرد سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۲۲۷
۱-۲. عملکرد آموزشی.....	۲۲۷
۲-۲. عملکرد سیاسی.....	۲۳۱
۲-۳. عملکرد نظامی.....	۲۴۳
۲-۴. عملکرد امنیتی.....	۲۵۵
۲-۵. عملکرد سازمان نسبت به اعضا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۲۷۰
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۸۷
فهرست منابع.....	۲۹۳
تصاویر.....	۲۹۷

مقدمه نماینده محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره: در واپسین سالهای دهه نهم از تاریخ انقلاب اسلامی ایران و در حین فراز و فرود جریانها و تشکلهای احزاب سیاسی با گوناگونی متفاوت در عرصه حاکمیت و چالشها و تضارب آراء و اندیشهها، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه بر آن شد تا پژوهشی پیرامون تشکلهای احزاب تأثیرگذار در عرصه سیاسی به عمل آورد. در این کلام مقدماتی، به چرایی و چگونگی این پژوهش می پردازیم:

۱. هدف پژوهش

هدف تحقیق، شناسایی ماهیت فکری-سیاسی تعدادی از تشکلهای احزاب سیاسی تأثیرگذار در عرصه های مختلف حاکمیت و ارزیابی مواضع و عملکرد آنان در راستای اهداف و آرمانها و رسالت حاکمیت دینی و جمهوری اسلامی ایران می باشد. این تحقیق از طریق بررسی دیدگاهها، مواضع و جهت گیری ها و عملکرد آنان در سه دهه اخیر انقلاب و انطباق مواضع و عملکردها با شاخص ها و معیارهای دینی و ارزشی به منظور شناخت تشکلهای احزاب و نقش آنان در تقویت و یا تضعیف حاکمیت دینی و نظام اسلامی و تفکیک گروههای همسو و همگرا با اصول و مبانی نظام دینی و حاکمیت اسلامی و رهبری به عنوان محور حکومت الهی از دیگر گروهها دنبال خواهد شد.

۲. چرایی پردازش به احزاب و تشکلهای

در پاسخ به چرایی بحث می توان به چند عامل اشاره کرد:

۲/۱. وجود جریانهای فکری معارض با اندیشه های دینی

در تاریخ معاصر ایران چهار جریان شاخص فکری وجود دارد و هر کدام دارای مبانی و گرایشات خاص خود هستند. این جریانهای فکری در شکل گیری احزاب و گروهها بسیار تأثیرگذار بوده اند. از همین رو جریان شناسی و جبهه شناسی این چهار جریان برای یک مسلمان و مؤمن که همواره در پی جریان حق و دستیابی به مصداق جبهه حزب الله و خط ولایت الهی می باشد بسیار ضروری است. در بین جریانهای فکری، اعتقادی و سیاسی متفاوت با گرایشات گوناگون، صراط مستقیم و جبهه حق و جریان حزب الله یکی است و دیگر جریانها و جبهه ها که مثلاً شاخصها و معیارهای تعیین شده نباشند خارج از جبهه حق بوده، در مسیر انحرافی قرار دارند. آیات شریفه قرآن و کلمات معصومین علیهم السلام با اشاره به دسته بندی ها در جامعه و تبیین معیارها و شاخص های اهل حق، بر شناخت اهل زمان و انتخاب راه درست تأکید کرده اند. قرآن مجید، جریانهای موجود در جامعه آن روز را به مؤمنان، منافقان و کافران طیف بندی می کند و پیروزی و شکست را از آن جبهه مؤمنان می داند. در یک دسته بندی دیگر، جریانها را به السابقون «پیشگامان» در جبهه صراط مستقیم و جریان راست «اصحاب المیمنه» و جریان چپ «اصحاب المشئمه» تقسیم بندی می کند. یک جبهه بندی وسیع تر، جریانهای موجود را به «حزب الله» و «حزب الشیطان» تقسیم می نماید. و با تعیین معیارها و شاخص ها برای هر یک، پیروزی و حاکمیت قطعی را از آن جبهه حزب الله می داند، و در دو بیان می فرماید: «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ».

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در ترسیم چشم انداز دسته بندی ها و هشدار و هدایت مردم در جهت دستیابی به جبهه حق می فرماید:

إِفْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ افْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ تَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً.^۱

جامعه تحت حاکمیت حضرت موسی پس از رحلت رهبرشان به هفتاد و یک فرقه، جامعه عیسی پس از او به هفتاد و دو گروه و امت من پس از من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند که تنها یک فرقه و گروه آن اهل نجات و صراط مستقیم هست و بقیه در مسیر انحرافی قرار خواهند داشت.

در هر جامعه‌ای حسب شرایط و مقتضیات، جریانه‌ها و تشکله‌ها در دسته‌بندی‌ها و طیف‌های مختلفی قرار می‌گیرند. در اینجا است که شناخت ماهیت جریانه‌ها و تشخیص جبهه حق از باطل و خودی از غیر خودی در انتخاب راه درست حائز اهمیت می‌گردد. در بیانی امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از فرزندان می‌فرمایند: «يَا بُنَيَّ لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ... أَنْ يَعْرِفَ أَهْلَ زَمَانِهِ»^۱.

به طور کلی در تاریخ معاصر ایران چهار جریان فکری مهم مطرح و با هم در رقابت بوده‌اند که به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

اول: جریان فکری دینی:

یکی از جریانه‌های مهم در تاریخ معاصر ایران، دینداری اسلامی و بازگشت به دین بوده است که معمولاً در یکصد سال اخیر با محوریت روحانیت، فقیهان بزرگ وارد عرصه‌های اجتماعی شده است. هدف سردمداران این جریان، همانند دینداری جامعه و احیای مکتب اسلام و در نهایت حاکمیت اسلام در همه عرصه‌های اجتماعی بوده است. این جریان از مبارزات علمای بزرگ قبل از نهضت مشروطیت و مبارزه شیخ فضل‌الله نوری با جریان انحرافی در مشروطیت شروع می‌شود و با تأکید بر اسلامیت حرکت نهضت ملی ایران و نقش آیت‌الله کاشانی در برابر جریان ملی‌گرایی و تأکید بر اسلامیت حرکت و نقش حضرت امام (ره) در رهبری جریان فکری دین‌مداری در جامعه و در نهایت پیروزی و حاکمیت اسلام و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌یابد. این جریان با تکیه بر حقیقت اسلام مبتنی بر قرآن و سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین و بدون هیچ گونه وابستگی فکری به جریانه‌های انحرافی لیبرالیسم و سوسیالیسم در صدد ترویج و اجرای جامعیت اسلام بوده است.

دوم: جریان فکری ناسیونالیسم و ملی‌گرایی:

دیگر از جریانهای فکری در تاریخ معاصر ایران، جریان ناسیونالیسم و ملی‌گرایی با تکیه بر عناصر ملیت، ایرانیت، و اتکا به ارزشها، آداب و رسوم باستانی در ادوار گذشته تاریخ است. عناصر مؤلفه‌های ناسیونالیسم، اصالت دادن به ملیت در برابر اصالت الله، وطن پرستی ستایش و قداست برای خاک، نژاد، زبان و تاریخ و به طور کلی باستان‌ستایی، بیگانه‌ستیزی و تکیه بر سکولاریزم به عنوان ایدئولوژی می‌باشد. چنانچه ملی‌گرایی در چارچوب مؤلفه‌های فوق باشد و جهت‌گیری آن نسبت به اصالت، ملیت و ایرانیت، در برابر اصالت الله و به معنای نفی اعتقاد به اسلام و دارای ماهیت سکولاریستی و قرار دادن دین در قلمرو فردی باشد، قطعاً چنین جریان فکری ضد اسلام بوده و با اصول و مبانی دین سازگاری ندارد، اما اگر گرایشات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی و حفظ ارزشهای ملی و باستانی در چارچوب اصول و مبانی دینی و همراه با پذیرش اصول و ضروریات نظام اسلامی باشد، با استانداردهای دینی منافاتی نخواهد داشت. در نگرش دینی، علاقه و حب به وطن و اهتمام به نژاد، ملیت و یا سرزمین مورد توجه قرار گرفته است.

سوم: جریان فکری لیبرالیسم:

لیبرالیسم در غرب بر مبنای اصالت انسان به جای اصالت الله، تکیه بر آزادی فردی، اصالت لذت به جای اصالت کمال، دموکراسی و تأکید بر مشروعیت حکومت و قوانین شکل گرفته بر اساس رأی مردم، و نیز بر اساس سکولاریسم به معنای قرار دادن اعتقاد به خدا در قلمرو نیازهای فردی بنا شده است.

لیبرالیسم در ایران چنانچه منطبق با مؤلفه‌ها و عناصر لیبرالیسم غربی باشد و بر مبنای اصالت انسان و تفکیک دین از سیاست و نفی مشروعیت الهی حاکمیت و قوانین باشد قهراً خارج از چارچوب اصول و معیارهای دینی است، اما در صورتی که به گونه‌ای دیگر تعریف گردد که منطبق با اصول و مبانی نظام اعتقادی دینی باشد و لیبرالیسم و دموکراسی صرفاً به عنوان شیوه اداره حکومت در نظر گرفته شود، چنین نگاهی خارج از قانون اساسی نخواهد بود، چرا که قانون اساسی شیوه اداره کشور را بر مبنای دموکراسی و با روش مراجعه، آراء مردم تعیین نموده است. به هر حال پابندی به هر یک از شاخصه‌های لیبرالیسم به معنای خروج از اصول و مبانی دینی است.

چهارم: جریان فکری مادی‌گری و مارکسیسم:

مارکسیسم بر مبنای اصالت ماده در برابر اصالت الله، نفی خدا و متافیزیک، ضدیت با دین و مذهب و تکیه صرفاً بر تجربه به عنوان تنها منبع شناخت و نفی مالکیت خصوصی و زیربنا بودن اقتصاد شکل‌گرفت و چنین تفکر و جریانی در ضدیت کامل با مبانی و اصول دینی است.

جریانهای مارکسیست و مادی‌گرا در ایران و برخی دیگر کشورها نیز با تکیه بر مبانی و اصول مارکسیسم شکل گرفت، و توانست در دوره‌ای نه چندان طولانی جای پای خود باز کند. در هر حال هرگونه وابستگی به جریان فکری مارکسیستی خارج از اصول و مبانی دینی است.

جریانهای فکری مورد اشاره در شکل‌گیری احزاب و تشکلهای سیاسی و به تبع آن نفوذ در قدرت و حاکمیت در تاریخ معاصر نقش زیادی داشته‌اند، به ویژه پس از پیروزی انقلاب که دوران شکوفایی احزاب و گروههای سیاسی بود وجود این تفکرات در تشکیل احزاب ایفای نقش می‌نمودند.

۲/۲. تفاوت مبانی فکری و عملکرد احزاب و تشکلهای

با بررسی تاریخ احزاب و تشکلهای سیاسی به دست می‌آید که در تاریخ معاصر پیش از دویمست و هشتاد حزب و گروه اعلام موجودیت کرده‌اند به نوعی در عرصه سیاسی فعالیت داشته‌اند. تاریخچه احزاب و گروههای مزبور را می‌توان در چهار دوره زمانی ارزیابی کرد:

الف. احزاب و گروههای قبل از مشروطیت

ب. احزاب و گروهها از مشروطیت تا سقوط قاجار

ج. احزاب و گروهها پس از شهریور ۲۰ تا سقوط پهلوی دوم

د. احزاب و گروهها پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اما مجموعه احزاب و تشکلهای سیاسی از نظر ایدئولوژی، در طیفهای چهارگانه زیر دسته‌بندی می‌شود:

اول) احزاب و گروههای اسلامی:

منظور احزاب و تشکلهایی هستند که در طول صد سال اخیر برای استقرار حاکمیت دینی تلاش و مبارزه کردند و بعد از حاکمیت دولت اسلامی برای استقرار و پاسداری از آن در عرصه‌های سیاسی فعال بوده‌اند.

دوم) احزاب و گروههای ملی‌گرا:

احزاب و گروههایی هستند که ملیت و ایرانیت و ملیت‌مداری و وطن‌گرایی را مبنای تفکر و فعالیت خود قرار داده‌اند. که بسیاری از این گروهها، دارای گرایشات لیبرالیستی و شاخص‌های تفکر لیبرالیسم هستند. اما خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول دارای گرایشات مذهبی، با تفکر سکولاریستی‌اند، مثل نهضت آزادی و انجمن حجتیه. دسته دوم گرایشات غیرمذهبی داشته، و در تقابل با حکومت دینی قرار می‌گیرند، همچون جبهه ملی و بسیاری از احزاب سلطنت‌طلب.

سوم) احزاب و گروههای مارکسیستی:

احزاب و گروههایی هستند که دارای مبانی مادی‌گری و متکی به شاخص‌های مارکسیسم بوده، آشکارا یا غیر آشکارا در تقابل با نظام دینی قرار گرفته فعالیت داشتند، همانند حزب توده یا فدائیان اکثریت و البته، هرگونه هواداری و سمپاتی و همسویی با جریانهای مارکسیستی انحراف بوده و خارج از چارچوب دینی و اسلامی است.

چهارم) احزاب و تشکلهای التقاطی:

گروههایی هستند که از نظر ایدئولوژیک ریشه در دین یا چندمکتب دارند. این تشکلهای احزاب در ایران دارای ایدئولوژی با ترکیبی از اسلام و مکتب و اردتای غربی یا شرقی هستند که در دو طیف قابل دسته‌بندی هستند.

الف. التقاط اسلام با لیبرالیسم:

گروهها و احزابی هستند که معتقدند اسلام دارای نظامی اعتقادی و عبادی است، اما جامعیت و نظام سیاسی و اقتصادی ندارد. اینان ضمن پذیرش اعتقاد دینی و عمل نسبی فردی، آموزه‌های لیبرالیستی را مبنای حرکت و فعالیتهای خود قرار داده‌اند. این تشکلهای احزاب دارای تفکر سکولاریستی و جدایی دین از سیاست هستند، حکومت دینی را قبول ندارند، معتقد به ولایت فقیه نیستند. این احزاب و گروهها وابسته به اندیشه‌های غربی و به جریانهای راست معروف هستند.

ب. التقاط اسلام با مارکسیسم:

گروهها و احزابی هستند که اعتقاد دینی را از اسلام گرفته و انجام برخی مناسک دینی و

مبنای حرکت خود قرار داده‌اند و بسیاری از آیات و روایات را تفسیر سوسیالیستی نموده و ایدئولوژی خود را توجیه می‌کنند. همچون سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و جنبش مسلمانان مبارز و برخی از گروه‌های دیگر. وجه مشترک دو جریان التقاطی شناخت سطحی از اسلام و عدم شناخت نظام جامع اسلامی می‌باشد و بخاطر ضعف در مبانی اعتقادی به دام ایدئولوژی‌های غربی و یا شرقی افتاده‌اند.

۲/۳. تاثیر و نقش احزاب و تشکله‌ها در ساختار قدرت

در جامعه و نظام مبتنی بر دموکراسی و مردم‌سالاری، جریانهای فکری و تشکله‌ها و احزاب نقش بسیار مهمی را در ساختار قدرت چه در راستای اهداف و آرمانهای حاکمیت و قانون اساسی و یا انحراف از مسیر اصلی و استحاله نظام، ایفا می‌کنند. به طور خاص در یک نظام مکتبی و حکومت مبتنی بر دین و شریعت اسلام با محوریت و سیاستگذاری ولی فقیه، نقش احزاب و تشکله‌ها در استقرار و تحکیم مبانی دینی و یا انحراف از مسیر اصلی و جهت‌گیری به سمت ساختارشکنی، بسیار مهم‌تر است. تجربه دهه‌های گذشته و بروز ظهور جریانها و تشکله‌ها با گرایش‌های لیبرالیستی و جهت‌گیری‌های سکولاریستی و ایجاد انحراف در حرکت حکومت دینی مبین این واقعیت می‌باشد. اصلاح دموکراسی شمشیر دودمی است که اگر دستگاهها و نهادها و آحاد مردمی پایبند به مبانی دینی، الزامات آن توجه نداشته باشند جریانها و تشکلهای سیاسی می‌توانند زمینه چرخش را در حاکمیت دینی فراهم نمایند. این موضوع، به ویژه در نظام اسلامی که با توجه به عمق و گستره استکبار و کفرستیزی خود، با انبوهی از دشمنان و دسیسه‌های فراوان براندازی مواجه می‌باشد، نمود و اهمیت بیشتری می‌یابد.

۲/۴. دین‌محوری حکومت

بر مبنای قرآن و آموزه‌های دینی، دین و آیین مقدس اسلام محور حکومت و اداره جامعه است. در عصر نبوت و امامت این محوریت محقق گردید و حکومت بر مبنای دین در مقاطعی از تاریخ شکل گرفت. تداوم حکومت دینی بر پایه و مبنای قرآن و رهبری برتر در عصر غیبت مستلزم پیش‌بینی نهادها و ساختاری مناسب با شاخص‌ها و معیارهای عصر امامت می‌باشد تا با تکیه بر آن‌ها زمینه تداوم حاکمیت دینی فراهم گردد و جامعه از گمراهی و انحراف مصون بماند. بر این اساس در بیان معصومین شاخص‌های رهبری برای اداره

جامعه مدنظر قرار گرفته است. در توقیع امام عصر علیه السلام در پاسخ به اسحاق بن یعقوب آمده: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَايَةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»؛ در حوادثی که رخ می‌دهد به راویان حدیث ما (فقه‌های عادل) رجوع کنید. آنها حجت من بر شما و من حجت خدا هستم. در این بیان و دیگر احادیث با تکیه بر اجتهاد و عدالت، فقیه عادل را محور جریان و جبهه حق در تداوم جریان امامت مطرح می‌کند. از این رو قبل از بیان معیارهای جریان اسلامی در عصر غیبت، بیان چند نکته ضروری است:

- عصر غیبت، دوران نیابت عامه است و شاخص‌های فقیه عادل در لسان ائمه بیان شده و انتخاب آن بر عهده مردم با واسطه خبرگان خواهد بود، چه به صورت سستی در دوره‌های گذشته و یا به صورت سیستم. توسط مجلس خبرگان در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی ایران.

- دوران قفاهت به دو بخش تقسیم می‌شود: دوره‌ای که حاکمیت در دست فقیه عادل نمی‌باشد و دوره‌ای که فقیه مبسوط‌الید علیه السلام قدرت را در دست دارد که شرایط جبهه و جریان اسلامی در دو دوره قدری متفاوت است.

- در عصر غیبت با توجه به دسترس بودن قرآن و فهم غنی اهل بیت عصمت و طهارت و شرایط عصر نیابت، در رهبری دو شرط اساسی عصمت و علم واجب، به مصونیت حداکثری یعنی عدالت واقعی و اجتهاد در جهت استنباط مقررات و احکام الهی از قرآن، سنت، اجماع و عقل تبدیل می‌شود. و دو عنصر اجتهاد و عدالت در ولی فقیه در عصر غیبت کفایت می‌کند.

- اگر چه شرائط، شئون و مراتب ولایت در دو عصر امامت و غیبت متفاوت است، اما اختیارات و قدرت ولایت فقیه عادل در اداره حکومت و تبیین مقررات و قوانین و احکام الهی و امور حسبیه و اعمال و اجرای مقررات شرع مقدس، همانند ائمه است. همینطور میزان تبعیت از ولی فقیه با میزان تبعیت و اطاعت امام معصوم و یا پیامبر صلی الله علیه و آله تفاوتی ندارد. با توجه به توضیحات فوق به برخی شاخص‌های جبهه اسلامی در عصر غیبت اشاره می‌شود:

شاخص‌های جبهه اسلامی در عصر غیبت

۱. اعتقاد به ولایت مطلقه ائمه معصومین علیهم السلام در امور تکوینی و تشریعی به عنوان مدیران و رهبران عالی جامعه پس از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله.

تداوم جامعه توحیدی عصر نبوی با شاخص‌ها و معیارهای آن، مستلزم تداوم رهبری پس از پیامبر با همان شاخص‌هایی است که در پیامبر بود.

حضرت علی علیه السلام در آغاز خلافت سومین خلیفه، برای اثبات خلافت خود، این چنین به حدیث غدیر استدلال نمود: پیامبر درباره من فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ». سلمان از رسول خدا ﷺ پرسید منظور از این ولایت چیست؟ در پاسخ فرمود: «وَلَاةٌ كَوَلَاةٍ، مَنْ كُنْتُ أَوَّلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ»؛^۱ منظور از ولایت، ولایتی همچون ولایت من است که من به خود مؤمنان از خودشان اولی هستم و از جان آن‌ها بر آنان برتری دارم.

۲. اعتقاد به پیوستگی دوران فقاہت با عصر امامت: دوران غیبت در حقیقت واسطه‌ای است بین عصر امام عسکری و دوره جهانی شدن اسلام به رهبری امام عصر (عج). به بیان دیگر در دوره غیبت زمام امور مردم به عهده فقهای عادل است به ویژه در زمان حاکمیت ولی فقیه که نیابت عام امام عصر خواهد داشت. همانطور که در بیان حضرت مهدی (عج) آمده «فانهم حجتي عليكم» همان‌طور که من فقه‌ها حجت بر شما هستند معنی و مفهوم آن پیوستگی بین این دو دوره می‌باشد.

۳. اعتقاد به نصب توصیفی فقها از ناحیه ائمه معصومین ﷺ، در کنار نصب تنصیصی ائمه توسط پیامبر و یا امام قبل از او. در روایات منقول از ائمه معصومین ﷺ نصایب فقهاء در عصر غیبت که عهده‌دار ولایت هستند بیان شده که از جمله آنها روایتی است از امام صادق ﷺ که می‌فرماید: مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكَمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَكَمًا.^۲

هر کس در میان شما که حدیث ما را روایت کند و حلال و حرام ما را بررسی و احکام ما را بشناسد باید حاکم و داور بودن او را بپذیرد. همان‌طور که رهبر و حاکم شما قرار دادم. ۴. اعتقاد به ولایت فقیه در عصر غیبت: در مقابل کسانی که ولایت را محدود به وظائف مذکور در قانون اساسی می‌دانند و یا محدود در امور حسبه می‌دانند، حضرت امام (ره) می‌فرماید: «فَلْيَفْقِهِ الْعَادِلُ جَمِيعَ مَا لِلرَّسُولِ وَالْإِمَّةِ ﷺ مِمَّا يَرْجِعُ إِلَى الْحُكُومَةِ وَالسِّيَاسَةِ»؛^۳

۱. الغدير، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۹.

۳. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۱۷.

فقیه عادل در مورد حکومت و سیاست دارای همه آن اختیاراتی است که پیامبر اکرم ﷺ و امام معصوم داشتند.

۵. اعتقاد به وجود حکومت و نظام سیاسی و دیگر نظامها برای اسلام: در مقابل جریانها و گروههایی که معتقدند اسلام نظام حکومتی و سیاسی و یا نظام اقتصادی ندارد، جای جای قرآن و روایات و سیره و سنت پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ بین این است که اسلام دارای حکومت و نظام سیاسی و اقتصادی است و اصولاً بدون حکومت امکان اجرای احکام و مقررات اسلامی وجود ندارد.

قرآن می‌گوید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) بعثت پیامبران همراه با کتاب و میزان به منظور قیام مردم به قسط و عدل، مبتن بر شاکله حاکمیتی مکتب اسلام است.

۶. اعتقاد به جامعیت دین: و پیوستگی بین دین و سیاست: جامعیت دین اسلام و پیوستگی بین دین و سیاست از ضروریات قطعی است. در مقابل، تفکر سکولاریستی و جریانهایی بر این باورند که دین جزو ملاحظات فردی است و جنبه عبادی دارد و از همین رو نباید در قلمرو حکومت دخالت داشته باشد. در حالی که آموزه‌های دینی خلاف این را اثبات می‌کند. امام باقر ﷺ می‌فرماید: دین ده جزء دارد که یک جزء آن عبادت است و اجزاء دیگر مربوط به دیگر شئون جامعه است. حضرت امام (ره) می‌فرماید: «فَرَضَ تَوْحِيدَهُمْ أَنَّ الدِّينَ مُتَّفَكٌ عَنِ السِّيَاسَةِ فَهُوَ جَاهِلٌ لَمْ يَعْرِفِ الْإِسْلَامَ وَلَا السِّيَاسَةَ»؛ یعنی آن کسی که خیال کند دین از سیاست جدا است، او ناآگاهی است که نه اسلام را شناخته و نه سیاست را.

۷. اعتقاد به مشروعیت الهی رهبری و قوانین: در نگرش دینی، حاکم علی الاطلاق ذات باری تعالی است. هم او حق حکومت و وضع مقررات و قوانین را دارد، لذا بعثت پیامبران برای اداره امور جامعه از ناحیه خداوند است و واضع قوانین و مقررات هم ذات باری تعالی و یا کسانی‌اند که ظرفیت و شرایط را داشته باشند و از طرف خدا مأذون به وضع مقررات و احکام باشند؛ در برابر جریانهایی که مشروعیت حکومت و مقررات را مبتنی بر رأی اکثریت مردم می‌دانند.

۸. اعتقاد به نقش مردم در فعلیت بخشیدن به حکومت دینی و ولایت فقیه: اگر نظام اسلامی را به یک مثلث تشبیه کنیم، یک ضلع آن را رهبری دینی و ضلع دیگر را قرآن و قوانین و احکام اسلام به شمار آوریم، به طور قطع مردم ضلع سوم و قاعده آن هستند که زمینه ساز حاکمیت رهبری و اجرای قوانین خواهند بود و مفهوم مردم سالاری دینی هم این است. بنابراین مردم حق انتخاب دارند و اگر منتخب آنان با منتخب ذات باری تعالی منطبق باشد آن جامعه و حکومت الهی خواهد بود.

۹. اعتقاد و التزام به اصول و مبانی نظام اسلامی: حکومت دینی و نظام اسلامی در عصر ما اصول و ضروریاتی دارد که اعتقاد و التزام به آنها از شاخص های یک جریان اسلامی است این اصول و ضروریات عبارتند از ولایت فقیه، قانون اساسی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و امثال اینها که نماد اسلامیت و جمهوریت نظام به شمار می آیند.

۱۰. همگرایی و تبعیت کامل از ولی فقیه: در نظام دینی، محور نظام رهبری است، چه پیامبر یا امام معصوم باشد و یا ولی فقیه همسویی و همگرایی با محوریت نظام و تبعیت شرط اساسی اسلامی بودن یک جریان است. در روایتی آمده: «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْإِمَّةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ لَا يُزِدُ إِلَهَ وَ يُسَلِّمُ لَهُ»؛ بنده خدا مؤمن نخواهد شد مگر اینکه خدا و رسول خدا را بشناسد، ائمه را به تمامه بشناسد و امام زمانش را هم بشناسد و در امور به او مراجعه کند و تسلیم او باشد. تبعیت از ولی فقیه در زمان غیبت، خود بهترین فرمانبری از امام زمان (عج) خواهد بود.

۱۱. پرهیز از همگرایی و همکاری و همسویی با جریانهای غیر خودی و معارض با حکومت دینی: در نظام الهی و حکومت دینی پیش بینی جاذبه و دافعه منطقی در چارچوب و معیارها و شاخص ها از الزامات یک جریان اسلامی است. مسئله تولی و تبری و ارتباط به جریان های خودی به ویژه حرکت بر محوریت رهبری و پرهیز و مرزبندی با جریانهای غیر خودی جزء مبانی اعتقادی و رفتاری است.

۲/۵. راه های شناخت ماهیت احزاب و تشکلهای

اگر چه به طور معمول ماهیت یک حزب و تشکل سیاسی را از طریق اسنادنامه و مرامنامه (به عنوان شناسنامه) آن گروه می شناسند، اما با توجه به فراز و نشیب ها و پیروزی و شکستهایی

که رخ می دهد و حوادث مهمی که در کشور اتفاق می افتد، بهترین راه برای دستیابی به ماهیت احزاب و گروهها، همانا مراجعه به بیانیه ها، مواضع و عملکرد آنان در قبال حوادث و متغیرها و بررسی میزان انطباق دیدگاهها و مواضع و عملکرد اعضا با اساسنامه و مرامنامه می باشد. چه بسا احزاب و گروههایی در آغاز حرکت دارای مبانی اعتقادی و دیدگاه خاصی بوده و در بستر زمان دچار واخوردگی و استحاله و عدول از مواضع قبلی گردیده اند. بنابراین ارزیابی محتوای بیانیه ها، مواضع دیرکل و شورای مرکزی یک حزب و عملکرد آن در بستر زمان مبین همسویی و همراهی با اصول و مبانی و برخورداری از شاخص های اصلی حزب و گروه خواهد بود.

۳. روش و جهت گیری پژوهش

روش و شیوه پژوهش توصیفی و میدانی است و بناست مجموعه ای از احزاب و تشکلهای مطرح و تأثیرگذار در عرصه های سیاسی و اجتماعی با گرایشات متفاوت و اکاوی شوند. و با مراجعه به اسناد و مدارک، اساسنامه و مرامنامه، بیانیه ها، مواضع صریح و عملکردها در عرصه های مختلف و در صورت لزوم امکان مراجعه به دیرکل و شورای مرکزی و طرح پرسشهای مورد نظر، چهره روشنی از تشکلهای احزاب و گرایشهای آنان در معرض آگاهی و ارزیابی پاسداران و بسیجیان نهاده شود تا بتوانند جریانها و تشکلهای با گرایشها و مبانی ناب دینی، و همراه با مبانی و اصول و ضروریات نظام، و همکاران و همسایان خط امام و رهبری معظم انقلاب را از جریانها و تشکلهای دیگراندیش و مدعی خط امام جدا کنند و در جهت گیری ها و حرکتها بتوانند تعامل و جهت گیری مناسب را انتخاب نمایند.

از این رو، تدوین تاریخچه و تبیین همه ابعاد و عملکرد یک حزب و یا معرفی و پرداختن به همه زوایای شخصیتی اعضای شورای مرکزی و فرایند شکل گیری منظور نبوده است. همچنین سعی بر این بوده که با تکیه بر مستندات، از دایره انصاف خارج نشویم.

نکته حائز اهمیت این است که در پاره ای موارد، دسترسی به همه منابع و آثار احزاب و تشکلهای مورد بحث، به ویژه آنها که تاریخچه کوتاهی دارند، امکان پذیر نبود که به طور طبیعی قصور در اینگونه موارد از ناحیه دست اندرکاران قابل گذشت خواهد بود.

والسلام

علی سعیدی شاهرودی